

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا

عبدالله انصاری *

چکیده

اوراق استصناع به عنوان اوراق بهادار می تواند ابزاری جایگزین برای اوراق قرضه تلقی شود و بانک مرکزی با خرید و فروش این اوراق در بازار اولیه و ثانویه و با اعمال سیاست های پولی مناسب، می تواند به اهدافی ایجاد اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت ها، بهبود موازنه پرداخت های خارجی و رشد اقتصادی دست یابد. در این مقاله ضمن تبیین عقد استصناع و انواع آن، به بیان ماهیت فقهی آن پرداخته و قابلیت کاربرد آن به عنوان ابزار سیاست پولی توسط بانک مرکزی برای تحقق اهداف اقتصادی بررسی می شود.

واژگان کلیدی: استصناع، اوراق، اوراق استصناع، سیاست پولی، بانکداری بدون ربا

* دانشجوی دکتری قرآن و علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

امروزه نظام بانکی خدمات ارزنده و قابل توجه موردنیازی به جامعه بشری به منظور تسهیل مبادلات، تجهیز پس اندازهای راکد مردمی و هدایت آنها به سرمایه‌گذاری مفید و مولد، اجرای سیاست‌های پولی مناسب، ارایه می‌دهد.

بانک مرکزی از رهگذر مطالعه وضعیت اقتصادی، متناسب با شرایط موجود در کشور اقدام به اجرای سیاست‌های پولی می‌نماید؛ لذا انتخاب سیاست‌های سنجیده با بهره‌گیری از ابزارهای مهم، پیچیده و دشوار به نظر می‌رسد.

بانکداری ربوی و سرمایه‌داری به پشتوانه تجربه صدها ساله خود توانسته است بانک‌های مرکزی را به ابزارهای مؤثر و کارآمد در عرصه سیاست‌گذاری پولی مجهز نماید. هرگونه تغییر در نرخ بهره از رهگذر تغییرات نرخ تنزیل مجدد و با خرید و فروش بازار باز سوی بانک مرکزی، بر نرخ بهره بانک‌ها و نرخ بهره بازار تأثیرگذار خواهد بود و در نتیجه تغییر در نقدینگی بخش خصوصی، حجم اعتبارات و جریان‌ات ارزی را در پی خواهد داشت. اعمال سیاست پولی از رهگذر تغییرات در نرخ بهره از رهگذر ابزارهای سیاست پولی در سطح عمومی قیمت‌ها، میزان سرمایه‌گذاری، میزان تولید، اشتغال، هزینه تمام شده کالاها و خدمات، آسان‌سازی مبادلات بازرگانی، اشتغال و تعادل موازنه پرداخت‌های ارزی تأثیر شگرفی دارند.

بنابراین، کنترل و هدایت متغیرهای بنیادین اقتصاد کلان از رهگذر اجرای دقیق و عالمانه سیاست‌های پولی و تنظیم عرضه پول، از مهم‌ترین وظایف نظام بانکی است. این مهم در عملیات بانکی بدون ربا نیز سامان‌دهی، کنترل و مدیریت گردش پول و اعتبار به‌عنوان وظیفه نظام بانکی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی و دولت است. عملیات بازار باز، تغییر نرخ ذخیره قانونی، تغییر نرخ تنزیل مجدد ابزارهایی‌اند که بانک‌های مرکزی برای اجرای سیاست‌های پولی و رسیدن به

اوراق استتصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۰۵

اهدافی چون دستیابی به رشد، اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و بهبود بخشیدن به موازنه پرداخت‌های خارجی در دست دارند.

از آنجاکه ربا در نظام اقتصاد اسلامی جایگاهی ندارد به‌طور طبیعی ابزارهای مبتنی بر بهره نظیر اوراق قرضه، کاربردی نخواهد داشت. باین‌حال آیا ابزارهای دیگری به‌جز ابزارهای یادشده که بتوانند در کنترل و مدیریت پول‌کاری مطلوبی داشته و درعین‌حال از معایب اوراق قرضه مبرا باشند می‌توان یافت؟

تحقیق پیش‌رو، درصدد است اوراق بهادار سفارش ساخت را به‌صورت ابزاری مناسب برای اعمال سیاست پولی به‌وسیله بانک مرکزی مطرح نماید تا از این رهگذر دولت، بانک‌ها یا مؤسسه‌ها و نهادهای مالی و اعتباری بتوانند با انعقاد قراردادهای مربوط به تولید کالای خاص یا احداث طرح و پروژه‌های ویژه، اوراق بهادار استتصناع را با سررسید مشخص در اختیار پیمانکار یا سازنده بگذارند به‌گونه‌ای که این اوراق نخست در بازار اولیه و آنگاه در بازار ثانویه با مجوز بانک مرکزی قابل خریدوفروش باشد و بانک مرکزی بتواند با خریدوفروش این اوراق در بازار، برای تنظیم حجم نقدینگی سیاست‌های پولی دلخواه را اعمال نماید.

این تحقیق در نظر دارد به‌چگونگی ابزارسازی با قرارداد، بازار اولیه و ثانویه اوراق استتصناع، چگونگی کارکرد آن در جهت سیاست پولی و عملیات بازار باز و ... بپردازد و می‌خواهد این ابزار را در چارچوب عملیات بانکی بدون ربا مطرح کرده و با رفع محدودیت‌های موجود، نظام بانکی را در کشورهای اسلامی گامی به جلو برد و اهداف موردنظر سیاست‌های پولی منطبق با فقه اسلامی را تا حدی محقق نماید.

مفهوم استصناع

واژه استصناع در لغت از باب استفعال ماده «صنع»، به معنای طلب سفارش ساخت یا انجام کاری است (فیروزآبادی، ۱۳۴۴ ق، ۲، ماده صنع). ابن منظور در لسان العرب ذیل ماده صنع می‌گوید:

و استصنع الشيء: ای دعا الي صنعه و اصله صنع يصنع صنعا فهو مصنوع و صنيع؛ چیزی را به استصناع داد یعنی سفارش آن را داد از ریشه صنع و به کالا ساخته شده مصنوع و صنُع گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ماده صنع).

در المعجم الوسيط استصناع را این‌گونه معنا کرده است:

استصنع فلاناً كذا: طلب منه ان يصنعه له؛ به فلانی ساخت کالایی را سفارش داد،

یعنی از خواست که آن کالا را برای او بسازد (مجمع اللغة العربية، ۱۴۲۶ ق، ۵۲۵).

در اصطلاح فقهی و حقوقی، معانی متعددی برای آن بیان شده است. عده‌ای آن را توافق با

صاحبان صنایع برای ساختن شیء معین دانسته‌اند (هاشمی، ۱۳۷۸، ۳) و بعضی کلمه استصناع

را به صورت ترکیبی به کار برده‌اند و تعبیر به عقد استصناع کرده‌اند:

مراد از عقد استصناع یا قرارداد سفارش ساخت این است که کسی به نزد صنعتگر بیاید و از او

بخواهد که تعدادی از کالاهایی را که می‌سازد، به ملکیت او درآورد. درعین حال، قراردادی میان

این دو به امضا می‌رسد که صاحب صنعت تعداد مورد توافق را برای وی بسازد و قیمت آن را

دریافت دارد (مومن، ش ۱۲-۱۱، ۱۳۷۶، ۲۱۰).

زرقا نیز در تعریف استصناع گفته است:

استصناع خرید چیزی است به قیمت مشخص که طبق ویژگی‌های مورد توافق در زمان آینده

ساخته یا احداث می‌شود، به بیان دیگر، موضوعی که عقد استصناع درباره آن منعقد می‌شود. غالباً

در زمان عقد موجود نیست؛ ولی توسط سازنده یا پیمانکار در آینده ساخته می‌شود (زرقا، ۱۳۸۰،

ش ۱، ۱۲۱).

در موسوعه جمال عبدالناصر و بدائع الصنائع استصناع چنین تعریف شده است:

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۰۷

قراردادی است بر کالای در ذمه که ساخت آن مطابق خصوصیات و شرایط معین شده در عقد و در مقابل بهای معینی صورت می‌گیرد (مجلس الاعلی للشنون الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق، ۹۰؛ الهیتی، ۱۴۱۴ ق، ۵۶؛ الکاسانی، ۱۴۱۷ ق، ۵، ۲).

نظر پور مورد تعریف استصناع بیانی دارد که عیناً بیان می‌کنیم:

گرچه در تعاریف پیشین برخی کلمات وجود دارد که قلمرو استصناع را محدود می‌کند، به نظر می‌رسد برخی قیدها، قیدهای مصادیق است و ماهیت استصناع فراتر از آن قرار دارد. در تعریف اول، توافق با «صاحبان صنایع» ذکر شده است؛ ولی در ماهیت استصناع مطمئناً این قید نیست. این قرارداد می‌تواند با صاحبان صنایع یا واسطه‌هایی که با صاحبان صنایع در ارتباط اند منعقد شود. همچنین می‌توان گفت مقصود از شیء فقط کالا نیست و خدمت هم می‌تواند مورد عقد استصناع قرار گیرد. با این نگاه می‌توان پروژه تحقیقاتی و مطالعاتی که کار خدماتی و تولید کالا به معنای اقتصادی آن است نیز در قالب این عقد قابل توافق باشد. همچنین می‌توان عقد استصناع را از حالت قرارداد بین دو طرف حقیقی درآورد و طرفین قرارداد را اعم از افراد حقیقی و حقوقی قلمداد کرد (نظر پور، ۱۳۸۴، ۸۱).

در نهایت نظر به ملاحظات پیشین، استصناع را این‌گونه تعریف نموده است:

استصناع یا قرارداد سفارش ساخت، قراردادی بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا احداث طرح و یژه‌ای است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق شده به صورت نقد یا اقساط پرداخت شود.

نظر به این تعریف، گستره قرارداد استصناع بسیار وسیع خواهد بود و سفارش ساخت کالاهای زیاد همچون خانه، فرش، خودرو، کشتی، هواپیما و طرح‌ها و سفارش احداث شرکت‌های کوچک و بزرگ و حتی احداث شهرک‌ها و مجموعه‌های بزرگ صنعتی و طراحی یک پروژه یا اصلاح ساختار یک تشکیلات و... را در برمی‌گیرد.

بنابراین، منظور از استصناع، خرید کالایی است که طبق سفارش خریدار تهیه می‌گردد. صورت عملی این معامله به این ترتیب است که خریدار با مراجعه به سازنده (پیمانکار) کالای مورد نظر و ارائه شرایط و صفات کالای مورد درخواست و بهایی که حاضر است بابت آن پردازد رضایت سازنده را جلب می‌کند و قرارداد معامله بین آنان منعقد می‌شود.

انواع استصناع

سفارش ساخت کالا و احداث پروژه صور گوناگونی دارد که از جهت تحلیل فقهی متفاوت هستند و در عرف دیدگاه مختلف دارند و ما نیز به جهت روشن شدن مطلب بدان اشاره خواهیم کرد:

۱. **سفارش ساخت و تکمیل کالا یا طرح نیمه‌تمام:** در پاره موارد تولیدکننده‌ای بدون اینکه کسی سفارش ساخت کالایی را از او بدهد دست به تولید کالایی نظیر کشتی، ساختمان، ماشین، هواپیما و... می‌زند و مراحل از تولید را طی می‌نماید، خریدار با دیدن و جلب توجه این تولیدات، از تولیدکننده می‌خواهد آن را کامل نموده تحویل وی دهد، تولیدکننده نیز با درخواست متقاضی موافقت می‌کند. آنگاه دو طرف اقدام به امضاء قرارداد می‌نمایند که طبق آن تولیدکننده متعهد می‌شود در برابر مبلغ معینی به ساختن و تحویل دادن کالا در زمان مشخصی به مشتری تحویل دهد و خریدار نیز ملتزم به پرداخت قیمت توافقی کالا است (مومن، ۱۳۷۶، ۲۲۳).

۲. **سفارش ساخت مقدار کالای معین:** گاهی فردی - حقیقی یا حقوقی - به تولیدکننده‌ای سفارش ساخت و تحویل مقدار معینی کالای تولیدی او را می‌دهد؛ مانند اینکه شرکتی سفارش بیست فروند هواپیما را به کارخانه هواپیماسازی می‌دهد شرکت سازنده متعهد به ساخت کالا با ویژگی تعیین شده و تحویل آن در برابر مبلغ مشخص، در زمان معینی می‌شود و سفارش گر نیز متعهد به پرداخت مبلغ توافقی می‌گردد (همان).

۳. سفارش ساخت کالا با ویژگی‌های خاص: گاهی سفارش‌دهنده طبق مصلحت و ذائقه‌ای که دارد نمی‌خواهد کالای تولیدی معمولی شرکت سازنده را بخرد؛ بلکه سفارش ساخت کالا با ویژگی خاص را به تولیدکننده می‌دهد. به‌عنوان مثال شرکت هواپیمایی سفارش ساخت هواپیمای با قدرت، دکوراسیون، ظرفیت، رنگ و شکل خاصی را به شرکت هواپیماسازی می‌دهد و سفارش‌گر نیز مطابق قرارداد متعهد ساخت و تحویل چنین کالایی در برابر مبلغ مورد توافق در زمان مشخص شده می‌شود و بالعکس مشتری نیز ملزم به پرداخت مبلغ ذکر شده در موافقت‌نامه است.

۴. دستور احداث پروژه‌ای با ویژگی‌های خاص: سفارش‌دهنده به منظور احداث پروژه ویژه دست به سفارش احداث آن با مشخصات معین را به سازنده می‌دهد. مثل اینکه دولت سفارش ساخت دانشگاه یا شفاخانه‌ای را در مکان معین، با مساحت، ظرفیت و مصالح مشخص به پیمانکاری می‌دهد و سازنده بنا بر قرارداد، طرح مورد نظر را در زمان مشخص در مقابل مبلغ تعیین شده، ساخته و تحویل دهد (موسویان، ۱۳۸۶، ۳۸۶).

۵. سفارش ساخت برای انجام معامله: در این صورت سفارش‌دهنده قراردادی را با سفارش‌دهنده نمی‌بندد، اما درعین حال سفارش ساخت تعداد کالا را می‌دهد و با سازنده قرار می‌گذارد چنانچه کالا را ساخت با قیمت معین از او خریداری خواهد کرد (مومن، ۱۳۷۶، ۲۲۳).

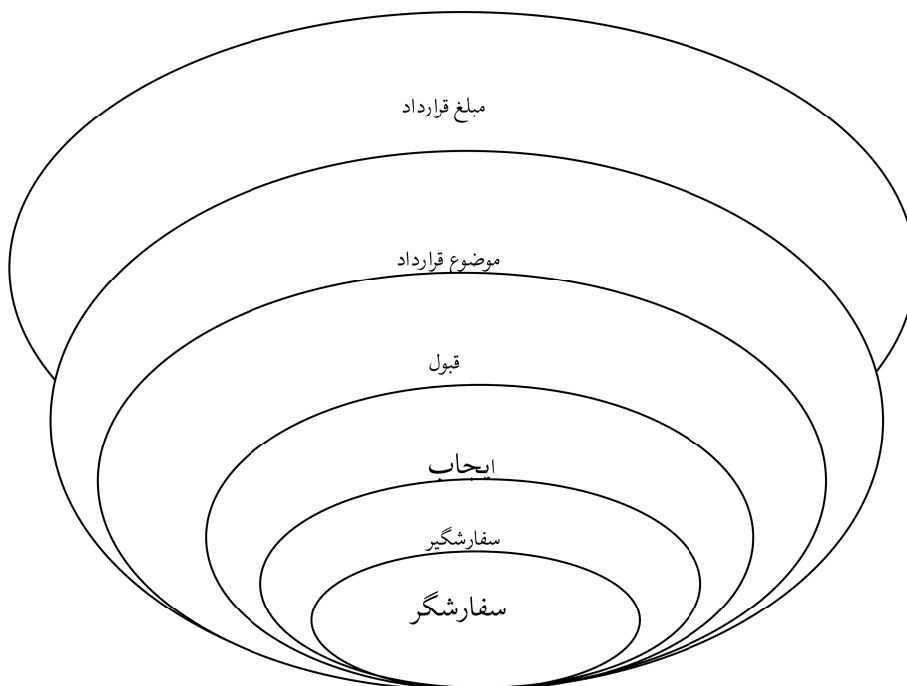
ارکان قرارداد استصناع

استصناع به‌عنوان قرارداد مالی و پولی دارای ارکانی به‌صورت ذیل است.

✓ سفارش‌گر (مستصنع): کسی که ساخت کالایی معین یا احداث طرح مشخصی

را به دیگری (سفارش‌گیر، پیمانکار و صانع) سفارش می‌دهد.

- ✓ **سفارش گیر (صانع، پیمانکار):** کسی که پذیرای ساخت کالا یا پروژه خاصی را با ویژگی‌های مشخص به طرف مقابل در زمان مشخص تحویل نماید. سفارش گر و سفارش گیر می‌توانند شخصیت حقیقی یا حقوقی باشند.
- ✓ **ایجاب و قبول:** قرارداد استصناع همانند هر قرارداد دیگر نیازمند ابزاری حاکی از اراده و رضایت طرف‌های قرارداد است. این ابزار می‌تواند لفظ، نوشته یا عمل طرفین قرارداد باشد.
- ✓ **موضوع قرارداد:** کالا یا طرحی با ویژگی و شرایط بیان شده در متن قرارداد، موضوع قرارداد به شمار می‌رود. موضوع افزون بر اینکه نباید ممنوعیت شرعی داشته باشد، قابلیت ساخت و تحویل در موعد مشخص داشته و نیز باید زمان، مکان و کیفیت تحویل آن معین باشد.
- ✓ **مبلغ قرارداد:** مبلغی قابل پرداخت در برابر کالا یا طرح به سازنده یا پیمانکار در زمان بندی مشخص که توسط سفارش دهنده باید پرداخت گردد (سمحان، ۱۴۲۹ ق، ۲۰۲).



ویژگی‌های اوراق استصناع

اوراق بهادار استصناع در کنار اوراق مشارکت، مکمل آن و جایگزین مناسبی برای اوراق قرضه جهت اعمال سیاست‌های انبساطی و انقباضی پولی می‌تواند باشد که بانک مرکزی بتواند متناسب با اوضاع گوناگون اقتصادی از طریق عملیات بازار باز اقتصاد را به جهت مطلوب سمت‌وسو دهد. نظر به این‌که سود اوراق مشارکت از قبل تعیین شده نیست و متناسب با سودی که در پایان پروژه به دست می‌آید تقسیم می‌شود؛ میزان سود، غیرقطعی و همراه با مخاطره و ریسک خواهد بود که به‌طور طبیعی برخی به سرمایه‌گذاری همراه با ریسک تمایل ندارند و عملاً سرمایه آنان برون از

چرخه اقتصادی قرار خواهد گرفت. از چه راهی می‌توان دغدغه این‌گونه افراد را کاهش داد و سرمایه آن‌ها را وارد بازار اقتصاد نمود؟

با انتشار اوراق استصناع می‌توان به جذب سرمایه‌های این عده اقدام کرد. بدین بیان که اوراق استصناع دارای سررسید مشخص و معین (۲، ۵ یا ۱۰ ساله) است، فردی که این اوراق را با قیمت مشخصی از بازار اوراق بهادار می‌خرد متوجه هست که در زمان سررسید مقدار مشخص سرمایه (مقدار اسمی اوراق) را به دست خواهد آورد و از آنجاکه قیمت این اوراق در سررسید متناسب با وضعیت رونق و رکود اقتصادی تغییر نخواهد کرده، مقدار ثابت باقی می‌ماند، می‌تواند بدون هیچ‌گونه مخاطره‌ای برای سرمایه خود برنامه‌ای داشته باشد؛ گرچه اگر بخواهد قبل از سررسید بفروشد قیمت این اوراق متأثر از وضعیت اقتصادی موجود خواهد بود.

با اعطای اوراق استصناع به پیمانکار، در واقع همه ریسک به او منتقل خواهد شد و چون کسی که اوراق استصناع را صادر می‌کند در زمان سررسید مبلغ مشخصی که تعهد کرده است با تغییر اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تغییر نمی‌کند؛ اما پیمانکار که انجام این کار را تا زمان مشخصی به عهده گرفته، ممکن است در اثر شرایط پیش‌گفته با سود بیشتر یا کمتر یا حتی با زیان قابل‌توجهی مواجه شود؛ اما افرادی که در اوراق استصناع سرمایه‌گذاری می‌کنند، بدون هیچ ریسکی در زمان سررسید از سود از پیش تعیین‌شده بهره‌مند خواهند شد.

بازدهی اوراق استصناع گرچه قابلیت به‌کارگیری برای پروژه‌های کوتاه‌مدت و پروژه‌های بلندمدت را دارد، اما برای پروژه‌های کوتاه‌مدت از جهاتی مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا قیمت فعلی پروژه با نرخ بازده ۱۰ یا ۱۵ درصد می‌تواند مبنای میزان قیمت اسمی اوراق استصناع قلمداد شود. ولی به دلیل اینکه نرخ‌های تورم برای کوتاه‌مدت (یک یا دو سال) قابل پیش‌بینی است، این نرخ‌های بازده می‌تواند نرخ واقعی تلقی شود. دولت یا مراکز انتشاردهنده این اوراق می‌توانند با

برنامه مشخص، پروژه‌های کوتاه‌مدت خود را از این طریق تأمین کرده و خریداران اوراق نیز می‌توانند به بازده‌های مورد انتظار دست یابند (همان، ۱۰۲).

کم نیستند پروژه‌های نیمه‌تمامی که در آغاز، به اغلب این طرح‌ها با توجیحات فنی، اقتصادی یا حتی سیاسی، مقداری بودجه اختصاص داده می‌شود اما دیری نمی‌پاید که به علت محدودیت اعتبارات، اجرای آن‌ها متوقف می‌شوند؛ چنانچه اگر در آغاز طرح به پیمانکار اوراق استصناع داده شود، با تضمینی که وزارت اقتصاد و دارایی یا هر نهاد معتبری داده دولت ملزم به پرداخت کل مبلغ در زمان سررسید، بود و پیمانکار نیز می‌تواند این اوراق را تا زمان سررسید نگه دارد و آنگاه نقد کند یا در زمان لازم آن را با قیمت کمتر از مبلغ اسمی بفروشد و دغدغه‌های اعتباری نداشته باشد، می‌کوشد در موعد مقرر طرح را به پایان رسانده، آن را تحویل دهد. از آنجاکه طرح طبق معمول در مدت سررسید یا حوالی آن به اتمام رسیده و محصول آن به بازار می‌آید مشکلی از جهت افزایش نقدینگی نیز ایجاد نمی‌کند؛ زیرا همراه با رشد محصول اگر پول بیشتری به جامعه تزریق شود نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند، بلکه نبود نقدینگی مناسب در این صورت مشکل‌زا خواهد بود.

از ویژگی اوراق استصناع در مقایسه با اوراق مشارکت این است که نظام حسابداری برای این اوراق بر اساس بدهکار، بستانکار است و تصمیم‌گیری و میزان سود و زیان آسان‌تر محاسبه می‌شود؛ ولی نظام حسابداری در اوراق مشارکت از سنخ سرمایه و سود است و همه دارندگان اوراق باهم در یک فعالیت اقتصادی مشارکت کرده‌اند.

در مجموع انتشار اوراق بهادار استصناع و پذیرش آن در بازار بورس و استقبال مردم از آن می‌تواند کسری بودجه دولت را به شیوه‌ای مناسب تأمین مالی کند؛ با اعمال سیاست پولی انقباضی نقدینگی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد و تولیدی سوق داده از این طریق به اهداف مورد نظر چون مهار تورم، ایجاد اشتغال، موازنه تجاری و ... دست یابد.

ماهیت قرارداد استصناع

با توجه به آنچه گذشت درمی‌یابیم، استصناع از عقود به شمار می‌رود، اکنون این سؤال مطرح می‌گردد که آیا استصناع ماهیتاً چه نوع قراردادی است؟ در قالب کدامیک از قراردادهای متعارف موجود می‌گنجد؟ آیا استصناع ماهیت خرید و فروش (بیع) را دارد یا می‌توان آن را به‌عنوان اجاره، جعاله، صلح، سلم و... مطرح نمود یا از آنجا که این قرارداد خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد می‌توان آن را به‌عنوان عقد مستقل قلمداد کرد؟ سؤال دیگری این است آیا قرارداد استصناع یک قرارداد لازم است یک طرف به‌تنهایی و بدون مجوز شرعی نمی‌تواند آن را فسخ نماید یا جایز و طرفین قرارداد حق انحلال یک طرفه قرارداد را دارد؟ از آنجا که قرارداد استصناع از جهاتی با بیع سلم شباهت دارد و از جهاتی نیز با بیع، اجاره، جعاله و صلح؛ فقها نیز نظر به همین شباهت‌ها و تفاوت‌ها نسبت به تعیین ماهیت آن دیدگاه‌های گوناگونی ارائه داده و آن را در قالب یکی از قراردادهای موجود معرفی کرده‌اند. چنانچه این قرارداد در قالب قراردادهای متعارف بگنجد، بدیهی است که احکام این عقود را خواهد داشت. ولی اگر به‌عنوان عقد مستقل مطرح باشد باید مطابق معیارهای عقلا که برای معاملات در نظر می‌گیرند تبیین گردد.

در میان فقهای اسلامی هستند کسانی که قرارداد استصناع را به دلیل مجهول بودن کالای سفارش شده باطل می‌دانند (همان)؛ اما عده‌ای زیادی این قرارداد را صحیح می‌دانند ولی نسبت به جایز بودن و لازم بودن آن اختلاف نظر دارند (انصاری، ۱۴۱۸ ق، ۳۲۴). عده‌ای از (امامیه، حنفیه، شافعیه و حنبله) آن را قرارداد لازم می‌دانند و معتقدند که هیچ‌یک از طرفین قرارداد به‌تنهایی حق برهم زدن قرارداد را ندارد. آن‌ها قرارداد استصناع را در قالب قراردادهای گوناگونی چون سلف (زعیر، ش ۱۹۴، ۱۴۰۴ ق، ۴۴؛ المصری، ۱۴۲۶ ق، ۵۳)، اجاره (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۴ ق، ۱۷؛ الرومی البایرتی، بی تا ۷، ۱۱۶؛ المصری، ۱۴۲۴ ق، ۵۹)، بیع (مرکز الدراسات الفقہیة و الاقتصادية، ۱۰۲؛ ارشید، ۱۴۲۱ ق، ۱۱۹ و شوقی، ۱۴۱۱ ق، ۳۱-۳۰)، صلح (موسویان، ۱۳۸۶،

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۱۵

۴۰۱)، جعاله (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ۱۹۸۹ م، ۳، ۳۲۶) و قرارداد مستقل (مرکز الدراسات الفقهية والاقتصادية، ۱۰۴؛ الکاسانی، ۲ و زعتری، ۲۷۳) مطرح کرده‌اند که به جز جعاله همه آن‌ها قرارداد لازم بوده و کسی حق انحلال آن‌ها را ندارد.

اوراق استصناع ابزاری برای جایگزینی اوراق قرضه

در عملیات بازار باز، اوراق قرضه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالی در بازارهای پول و سرمایه محسوب می‌شود؛ ولی از آنجاکه بهره در اسلام ممنوع است در اقتصاد اسلامی جایگاهی ندارد. در اقتصاد اسلامی فروش اوراق قرضه به مفهوم قرض همراه با بهره است و خریدار آن در صورتی که از اوراق مدّت دار خریدار باشد و بخواهد تا پایان دوره صبر کند تا از انتشاردهنده اوراق اصل و فرع آن را بگیرد، ربا شمرده می‌شود؛ زیرا این به معنای استیفای دین و دریافت مازاد بر اصل مبلغ اولیه است و در اقتصاد اسلامی کاربرد ندارد.

حال سؤال این است آیا استصناع می‌تواند جایگزین مناسبی برای اوراق قرضه باشد تا در عین کارکرد مطلوب، در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار گرفته و با فقه اسلامی نیز سازگار باشد؟

انتشار اوراق بهادار استصناع

انتشار اوراق استصناع به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل انتشار است:

الف) استصناع مستقیم

اجرای طرح‌ها در سطح ملی و منطقوی اعتبارات زیادی را لازم دارند که ممکن است فعلاً در دسترس اجراکننده طرح (وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها) نباشد، همچنین بانک‌های تجاری و تخصصی و مؤسسه‌های پولی و اعتباری که می‌خواهند به اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون بپردازند می‌توانند از طریق بستن قرارداد سفارش ساخت با شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی در جایگاه

پیمانکار به تحقق چنین امری اقدام نمایند (نظرپور، ش ۲۰، ۱۳۸۴، ۹۹-۹۸). نهادها و سازمان‌ها می‌توانند از طریق سفارش ساخت، طرح‌های بزرگ نظیر سرک‌سازی (جاده‌سازی) شهرسازی، ایجاد بندهای (سدها) آبی و ... را به پیمانکاران سفارش بدهند و به‌جای پرداخت همه یا بخشی از مبالغ قرارداد به‌صورت نقد، اوراق استصناع با سررسید مشخص متناسب با پیشرفت طرح در یک زمان‌بندی معین به پیمانکاران می‌پردازند (سامی، ۱۹۹۶ م، ۹۸؛ نجدات، بی تا ۳۴۱).

در این صورت آغاز و ادامه طرح‌ها با سرمایه خود پیمانکاران و مجریان است. آن‌ها می‌توانند در سررسید با تحویل اوراق استصناع مبالغ را از سفارش‌دهنده دریافت دارند و چنانچه نیاز به پول نقد پیدا کنند، می‌توانند با فروش این اوراق در بازارهای ثانویه یا بانک‌های عاملی که واسطه هستند نقدینگی موردنیاز خود را تأمین کنند.

بدون تردید ارزش این اوراق در بازار کمتر از ارزش اسمی آن در سررسید آن خواهد بود و به‌تناسب زمان هر چه به سررسید نزدیک‌تر شود قیمت واقعی‌تر می‌شود. دیگر دارندگان اوراق نیز می‌توانند در صورت نیاز پیش از سررسید آن را نقد کنند؛ چنانچه تا زمان سررسید صبر کنند، قیمت اسمی آن را دریافت خواهند کرد (موسویان، ۱۳۸۶، ۴۰۳).

ب) استصناع غیرمستقیم

در این صورت طرح‌ها کوچک‌اند، لذا وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی با یک بانک معتبر قرارداد استصناع می‌بندند نه با پیمانکاران جزء؛ از این رو، بخشی یا همه مبالغ قرارداد به‌صورت اوراق استصناع به بانک داده خواهد شد (نظرپور، ۱۳۸۴، ۹۹). بانک با بستن قرارداد استصناع دومی ساخت پروژه موردنظر را به پیمانکاران جزء، سفارش می‌دهد و پرداخت قیمت طرح را به‌تناسب کار و پیشرفت طرح به پیمانکاران تضمین می‌کند (همان، ش ۸، ۱۳۸۶، ۳۱). در صورتی که بانک تا سررسید صبر کند در پایان مدت مبلغ اسمی اوراق را دریافت خواهد کرد و در صورت نیاز به

نقدینگی می‌تواند آن را در بازار ثانویه به پول نقد تبدیل نماید. مردم برای خرید و معامله این اوراق نیازمند وثوق و اطمینان از محفوظ ماندن سرمایه‌هایشان می‌باشند و این وثوق با ضمانت‌های لازم از سوی بانک مرکزی و دولت خواهد بود. لازم است سررسید این اوراق به تناسب طرح‌ها و کالاهای موردنظر به‌دقت تعیین شود و کیفیت مراجعه تا زمان سررسید و در زمان خود سررسید نیز به‌طور کامل مشخص باشد.

اعمال سیاست پولی

سیاست از طریق اوراق به‌سه شیوه قابل اعمال و به‌کارگیری است:

الف) کاربرد اوراق استصناع در عملیات بازار باز

چنانچه اوراق استصناع وارد بازار شود و بانک‌ها این اوراق را از بازار تهیه نمایند یا پیمانکاران اقدام به فروش اوراق مزبور به بانک‌ها نمایند و می‌توانند تا پایان سررسید صبر نمایند یا در صورت نیاز همه‌یا بخشی از اوراق نقد کرده، به نقدینگی موردنیاز خود دست یابند. ولی در صورتی‌که بانک‌ها طبق قانون بتوانند این اوراق را به بانک مرکزی داده و با تنزیل، وجوه موردنیاز خود را از این رهگذر تأمین نمایند، با افزایش حجم پول سیاست انبساطی تحقق می‌یابد. میزان نقدینگی تابعی است از نرخ و قیمت خرید و فروش اوراق بهادار از جمله اوراق استصناع که توسط بانک مرکزی اجرا می‌شود. بدین معنا که بانک مرکزی می‌تواند از طریق عملیات بازار باز (حری، ۱۳۸۷، ۱۲۰)، اوراق استصناع را با در نظر داشت وضعیت اقتصادی، به نرخ تنزیل پایین‌تر، خریداری کند و به سیاست پولی انبساطی اقدام ورزد. از این طریق، حجم نقدینگی جامعه و به‌تبع آن مخارج کل و قیمت‌ها و اعتبارات مؤسسه‌های پولی افزایش می‌یابد و بالعکس در شرایط رونق و تورم اقتصادی برای ایجاد تعادل در بازار پول سیاست انقباضی پولی اعمال کرده، اوراق را با قیمت پایین‌تر فروخته پول را از

جامعه گردآوری کند. با این فرض اوراق استصناع تازه به تازه منتشر می شود و بانک مرکزی به مقدار کافی از این اوراق برای اعمال سیاست پولی در اختیار دارد.

البته اوراق استصناع به عنوان ابزار سیاست پولی زمانی موفق و کارساز است که در مدت زمان مورد استفاده در طرح های مختلف و بخش های متعدد اقتصادی با سررسیدهای گوناگون و تنوع وسیعی منتشر شده باشد تا در سررسیدها، با جایگزینی با اوراق جدید، سیاست گذاری استمرار یابد و بانک مرکزی بتواند با محاسبه تفاضل خرید و فروش ها، با اعمال سیاست های انقباضی یا انبساطی، میزان نقدینگی را در جامعه به خوبی مدیریت نماید.

ب) تنزیل مجدد اوراق استصناع

چنانچه بیان شد، همان گونه که پیمانکاران می توانند اوراق استصناع دریافتی را نزد بانک ها تنزیل و مبالغ مورد نیاز را پیش از سررسید اوراق دریافت کنند؛ بانک ها نیز می توانند این اوراق را نزد بانک مرکزی تنزیل مجدد نمایند. البته همه این موارد در باید با مجوز قانون گذار و تعیین سقف های معین صورت پذیرد. بانک مرکزی طبق قانون با نرخ مشخصی می تواند اسناد بهادار در اختیار بانک ها را برای تأمین اعتبار مورد نیاز بانک ها تنزیل مجدد کرده از این طریق، پایه پولی را افزایش دهد. همان طور که می تواند جهت اعمال سیاست انقباضی در آینده و جذب نقدینگی، تنزیل مجدد این اوراق را در رأس امور قرار دهد (نظر پور، ۱۳۸۴، ش ۲۲، ۶۱).

ج) تنزیل مجدد اوراق استصناع در قالب اضافه برداشت

تسهیلاتی که بانک مرکزی به بانک های تجاری و تخصصی، تخصیص می دهد، به صورت یکی از ابزارهای اجرای سیاست پولی امروزه مطرح است. این تسهیلات به ویژه در شرایطی برای بانک ها حیاتی تلقی می شود؛ زیرا به طور عمده با مشکلات مربوط به نقدینگی مواجه می شوند و بانک مرکزی طبق قانون موظف به برطرف کردن این مشکل است و در غیر این صورت حتی ورشکسته

شدن یک بانک کل سیستم بانکی کشور را دچار اختلال خواهد کرد؛ از این رو بانک‌ها اوراق بهادار قابل قبول را به بانک مرکزی می‌دهند و بانک مرکزی با تنزیل این اوراق وجوه مورد نیاز را در اختیار آن‌ها قرار خواهد داد و با این کار عملاً و اجباراً نقدینگی در شرایط افزایش خواهد یافت و در عین حال، امکان سیاست انقباضی در این قالب وجود ندارد و تنزیل اوراق بهادار قابل قبول، به روشنی به سیاست انبساطی دامن می‌زند. پیشنهاد این است بانک‌هایی که اوراق استصناع در اختیار دارند طبق قانون بتوانند با تنزیل مجدد این اوراق، نزد بانک مرکزی وجوه مورد نیاز را به ویژه در شرایط خاص دریافت دارند. از آنجاکه تنزیل اوراق استصناع در چارچوب خرید دین واقعی قرار خواهد گرفت؛ به زودی مشخص می‌گردد که تنزیل آن مشکل فقهی ندارد.

با تنزیل این اوراق نزد بانک مرکزی، علاوه بر افزایش حجم پول پر قدرت جامعه، این امکان نیز برای بانک مرکزی فراهم می‌شود که با مراجعه به بازار ثانویه و فروش این اوراق همراه با تنزیل به خنثی سازی سیاست انبساطی پولی در شرایط خاص اقدام کند؛ در حالی که چنین موقعیتی در سایه تنزیل دیگر اوراق بهادار در قالب اضافه برداشت فراهم نمی‌آید.

گرچه ماهیت و کارکرد شیوه دوم و سوم تفاوت ندارد، اما شیوه دوم، قابلیت کاربرد در همه ایام سال را دارد و بانک‌ها می‌توانند در عملیات بانکی برای حداکثر کردن سود حاصل از مجموع فعالیت‌های بانکی و توزیع و کاهش ریسک دارایی‌های خود از اوراق استصناع بهره ببرند؛ اما در شیوه سوم که اغلب در شرایط ویژه اتفاق می‌افتد، برای تأمین نقدینگی مورد نیاز بانک‌ها کاربرد دارد که در صورت عدم تأمین نقدینگی، بانک‌ها ممکن است ورشکست شود. بانک مرکزی موظف است برای جلوگیری از این پدیده در چوکات اضافه برداشت، با اخذ اوراق استصناع، نقدینگی مورد نیاز آنان را فراهم نماید (همان، ۶۳).

بررسی تطبیقی سیاست پولی اوراق استصناع

به طور کلی از جهت فقهی اوراق استصناع از دو منظر فقه امامیه و اهل سنت قابل بررسی است.

اعمال سیاست پولی از طریق اوراق استصناع از دیدگاه امامیه

برای استصناع ماهیت‌های گوناگونی ذکر شده است بعضی آن را بیع، عده‌ای بیع سلم، برخی جعاله، تعدادی اجاره، شماری صلح و بالاخره عده‌ای آن را به عنوان قرارداد مستقل مطرح کرده‌اند. از این رو، انتظار می‌رود بازار ثانویه فعالی برای خرید و فروش اوراق استصناع شکل گیرد و متناسب با مدت و مبلغ اسمی اوراق، قیمت بازاری آن‌ها معین گردیده و ابزار جدیدی شبیه اوراق مشارکت، با نرخ بازدهی معین وارد بازار سرمایه شود. از آنجاکه بازار اولی و ثانوی انواع استصناع بر قراردادهای متفاوت مبتنی است لازم است از نظر فقهی مورد بررسی قرار گیرد.

از فرایند انتشار اوراق استصناع موازی درمی‌یابیم که خرید و فروش این اوراق در بازار ثانوی، مبتنی بر خرید و فروش دین است. به این بیان که ناشر درازای قرارداد استصناعی که با بانک و واسطه منعقد می‌کند، اوراق بهاداری را در اختیار وی می‌گذارد که بیانگر بدهی ناشر به واسطه است. این اوراق را نزد مردم تنزیل (فروش دین) می‌کند، حال دارندگان اوراق می‌توانند منتظر مانده، در سررسید، مبلغ اسمی سند را از بانی (بانک) وصول کنند کما اینکه می‌توانند قبل از سررسید، آن را در بازار ثانوی به دیگری بفروشند (تنزیل کنند). این اوراق از نوع اوراق بدون کوبن سود بوده و سود آن‌ها در مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش نهفته است و به صورت طبیعی هر چه به سررسید اوراق نزدیک شویم، قیمت ورق به قیمت اسمی نزدیک شده، سود به صفر میل می‌کند.

در بحث خرید دین گذشت که مشهور فقهای شیعه، شافعیه و مالکیه، خرید و فروش دین واقعی را مجاز می‌شمارند. حال با توجه به اینکه اوراق بهادار استصناع در مورد استصناع موازی اسناد دین واقعی و بر اساس قرارداد استصناع هستند، بر اساس فقه شیعه، خرید و فروش آن‌ها در بازار ثانوی اشکالی نخواهد داشت.

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۲۱

با توجه به مطالب پیش گفته در مورد ماهیت فقهی قرارداد استصناع، اگر آن را مصداقی از بیع سلم قلمداد نماییم، باید تمام قیمت مورد توافق در مجلس عقد اخذ شود و مدت دار نباشد. در این صورت، از آنجاکه فرض در اوراق استصناع داشتن سررسید مشخص در آینده است تا دارنده آن در پایان دوره بتواند به انتشاردهنده آن مراجعه کند و مبلغ مندرج در سند را وصول نماید، کارکردی در سیاست پولی و عملیات بازار باز نخواهد داشت.

چنانچه استصناع بیع شخصی تلقی شود، می توان طبق توافق، مدت پرداخت مبلغ را با صدور اوراق مدت دار به تأخیر انداخت و پیمانکار یا دارنده این اوراق، در سررسید می تواند مبلغ مندرج در اوراق را از انتشاردهنده دریافت نماید؛ بنابراین، اوراق مذکور در بازار ثانوی قابل مبادله بوده و امکان اعمال سیاست پولی از طریق آن امکان پذیر خواهد بود؛ زیرا بانک مرکزی می تواند با خرید و فروش این اوراق در ارزش بازاری و مبادله ای آن ها تأثیر بگذارد و از این رهگذر به اعمال سیاست پولی بپردازد.

اگر استصناع در قالب جعاله گنجانده شود، از آنجاکه در جعاله پرداخت قیمت در مجلس شرط نیست؛ می توان اوراق استصناع را با سررسیدهای مشخصی، پس از پایان کار یا حتی با تأخیر یا با اقساط از پیش تعیین شده به سفارش پذیر تحویل داد (همان). از این رو، اوراق استصناع در قالب جعاله نیز قابلیت عرضه و مبادله در بازار ثانوی را دارد که بستر ورود بانک مرکزی را جهت تأثیرگذاری در اعمال سیاست انقباضی و انبساطی فراهم می سازد.

تنها مشکل جعاله لازم نبودن آن قبل از انجام عمل است، بدین معنا که قرار داد تا زمانی که عمل جعل تحقق پیدا نکرده لازم نیست و طرف قرارداد می تواند حتی در حین عمل دست از کار بکشد که این در مورد پروژه های کلان اقتصاد بسیار زیان می رساند؛ از این رو، قابل اعتماد نیست.

اگر استصناع در قالب اجاره مطرح باشد در این صورت همه اوراق اجاره به ویژه انواع اجاره به شرط تملیک، مبتنی بر خرید و فروش سهم مشاع از دارایی فیزیکی، قابلیت خرید و فروش در بازار

ثانویه دارند. با گسترش اوراق اجاره و شکل‌گیری بازار منسجم برای آن‌ها بانک مرکزی می‌تواند هنگام ضرورت با ورود به این بازار، روی حجم نقدینگی و نرخ بازدهی اوراق تأثیرگذار. بالاخره اگر استصناع به صورت مجزا از سایر عقود تصحیح شود، در این صورت طبق تعامل عرف عقلاً نسبت قرارداد استصناع، رفتار خواهد شد.

بنابراین، اوراق استصناع با قابلیت‌هایی که دارد، در طرح‌های گوناگون، با سررسیدهای یکسان یا متعدد در قبال پروژه‌های که پیمانکار در آینده به اتمام می‌رساند، می‌تواند کاربرد داشته باشد؛ در نتیجه می‌توان گفت، در استصناع جز در قرارداد سلم، امکان ابزارسازی برای اعمال سیاست پولی وجود دارد.

در پایان باید یادآور شد از آنجاکه مشهور فقهای امامیه با تنزیل مخالفتی ندارند خرید و فروش و تنزیل اوراق استصناع در بازار اولیه و ثانویه قبل از سررسید به قیمت کمتر، از نظر فقهی مشکلی ندارد و خرید و فروش آن در بازار بورس نیز مانعی نخواهد داشت؛ بنابراین، طبق تحقیق انجام شده می‌توان از اوراق استصناع به عنوان ابزار جهت اعمال سیاست پولی بهره برد. بدین صورت که بانک مرکزی در دوره رونق به کنترل حجم پول پرداخته و از طریق فروش اوراق استصناع سیاست انقباضی در پیش گیرد و در دوره رکود با خرید این اوراق به سیاست انبساطی بپردازد.

اعمال سیاست پولی از طریق اوراق استصناع از دیدگاه اهل سنت

تحلیل مسئله بستگی به این دارد که استصناع چه ماهیتی داشته باشد. بنابراین که اکثریت علمای اهل سنت قرارداد استصناع را بیع می‌دانند، اسناد و اوراق مدت‌دار استصناع به دلیل سند بدهی بودن ماهیت قرض را دارد و اوراق استصناع در بازار ثانویه قابل تنزیل نخواهد بود؛ زیرا در این صورت اوراق استصناع سند دین شرکت یا دولت و ... محسوب می‌شود که طبق فقه اهل سنت خرید و فروش دین جایز نیست، همین مسئله مهم‌ترین چالشی است که مانع انتشار اوراق استصناع

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۲۳

در فقه اهل سنت می‌گردد (بلخیر، ۱۴۲۸ ق، ۷۳)؛ بنابراین، تنزیل آن در بازار ثانوی به جهت ربا بودن جایز نخواهد بود و استفاده از آن برای اعمال سیاست پولی امکان‌پذیر نیست. مگر اینکه اوراق استصناع را تبدیل به کالای دیگر نموده آنگاه کالا را در بازار بفروشد (همان، ۷۴) که در این صورت ربطی به موضوع تحقیق ندارد.

شایان‌ذکر است که بعد از ثبت‌نام و سرمایه‌گذاری و قبل از آغاز به کار پروژه، مبادله اوراق استصناع حکم نقد را دارد و مطابق احکام صرف عمل می‌شود (همان، ۷۳).

اما بنا بر اجاره بودن قرارداد همان‌گونه که بیان شد اسناد و اوراق اجاره با همه انواعی که دارد چه اوراق اجاره عادی و چه اوراق اجاره به شرط تملیک قابلیت خرید و فروش در بازار ثانوی را دارند که همه آن‌ها بر اساس فقه اسلامی از باب فروش سهم‌الشرکه فرد در کالاهای مورد اجاره، صحیح یا قابل تصحیح بوده و قیمت فروش می‌تواند با توافق طرفین تعیین شود (همان)؛ بنابراین، در صورت نیاز به اعمال سیاست پولی از طریق وارد شدن به خرید و فروش این اوراق به هدایت و کنترل حجم پول و نرخ بازده آن پردازد و در موقعیت رکودی با خرید اوراق به افزایش حجم پول و در شرایط رونق و تورم به کاهش حجم آن اقدام نماید.

چنانچه استصناع را در قالب جعاله تصحیح نماییم همان‌گونه که بیان شد می‌توان از این طریق به انتشار اوراق استصناع مدت‌دار با سررسید معین که در بازار ثانوی خرید و فروش می‌شوند با اعمال سیاست پولی به کنترل حجم پول نمود و مشکل شرعی هم نخواهد داشت

اگر استصناع را در قالب صلح تصحیح نماییم در این صورت نیز می‌توان از آن به‌عنوان ابزار سیاست پولی بهره جست.

تأثیر سیاست پولی بر قیمت اوراق استصناع

ارزش اوراق استصناع مانند سهام، اوراق قرضه و دارایی‌هایی حقیقی می‌تواند متأثر از سیاست‌های پولی باشد؛ زیرا با کاهش ارزش پول به جهت اعمال سیاست انبساطی، مقدار عرضه پول از تقاضای آن فزونی یافته است؛ بنابراین، دارندگان این دارایی‌ها سعی در هزینه پول‌های عرضه شده در مخارج خود خواهند کرد و در بازار بورس بهادار که اوراق استصناع نیز در آن عرضه می‌شود، تقاضا برای این اوراق افزایش یافته و در نتیجه قیمت این اوراق رشد و نرخ تنزیل کاهش می‌یابد. عکس این روند در صورت اعمال سیاست انقباضی رخ می‌دهد. در این صورت مقدار عرضه پول از میزان تقاضای آن کمتر بوده و مردم سعی در کاهش تقاضای پول اضافی خواهند کرد؛ بنابراین، قیمت‌های پایین‌تری برای این اوراق پیشنهاد می‌شود.

این نکته نیز قابل‌بادآوری است که ارزش اوراق استصناع همانند دیگر اوراق بهادار، تابعی از ارزش حال مبلغ سررسید آن است؛ یعنی در اقتصاد، سیاست انقباضی، منابع بالقوه برای سرمایه‌گذاری یا منابع لازم برای خرید کالا و خدمات موردنیاز، کاهش یافته و افراد خواهان بازدهی ثابت بیشتر در قالب عقود مبادله‌ای می‌باشند که پی‌آمد آن افزایش نرخ تنزیل اوراق استصناع است؛ زیرا این اوراق حکایت از بدهی مشخص انتشاردهنده آن در زمان سررسید دارد و کسی که این اوراق را خریداری می‌کند در واقع در قالب بیع دین همراه با تنزیل این اوراق را از فروشنده آن تحویل می‌گیرد.

نتیجه

اوراق استصناع اوراق بهادار قابل‌مبادله‌ای است به پیمانکار جهت تکمیل پروژه و سفارش ساخت کالا داده می‌شود و تابع قرارداد استصناع به شمار می‌رود.

عقد استصناع در عرصه‌های گوناگون تأمین مالی پروژه‌های کوچک و بزرگ کاربرد فراوان دارد و در برخی از کشورهای اسلامی در لایه‌های گوناگون نظام بانکی نفوذ کرده است. از این رو، لازم

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۲۵

است با بررسی دقیق تجربیات کشورهای گوناگون به قانونی و عملیاتی کردن این اوراق پرداخت. اگر بتوان از اوراق استصناع برای جذب سرمایه‌های مردم و نیز اعمال سیاست اقتصادی بهره برد، می‌تواند جایگزین مناسبی برای اوراق قرضه دولتی باشد که در اقتصادهای سرمایه‌داری و بانکداری متعارف کاربرد گسترده‌ای دارد.

چنانچه بیان شد در فقه امامیه به دلیل جایز بودن خرید و فروش دین و نیز بنا بر تصحیح آن در قالب قراردادهای جعاله، اجاره صلح و قرارداد مستقل هیچ منعی برای ابزارسازی و بهره‌گیری آن در اعمال سیاست پولی وجود ندارد. در فقه اهل سنت نیز با تصحیح استصناع در قالب اجاره، جعاله و صلح می‌توان به ابزارسازی آن اقدام نمود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن منظور، لسان العرب، دار مکتبة الهلال، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابو الفتوح، احمد، المعاملات فی الاسلام، به نقل از سمحان و مبارک در کتاب محاسبه المصارف الاسلامیه.
۳. ارشید، محمود عبدالکریم احمد، الشامل فی معاملات و عملیات المصارف الاسلامیه، دار النفائس، الطبعة الاولى، اردن، ۱۴۲۱ ق.
۴. انصاری، محمد علی، الموسوعة الفقهية الميسرة، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۵. بلخیر، احمد، عقد الاستصناع و تطبقاته المعاصرة، جامعة الحاج لخضر - باتنة، ۱۴۲۸ ق.
۶. حری، حمیدرضا، بانکداری مرکزی در نظام بانکداری بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد، رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۷.
۷. الرومي البابر تي، محمد بن محمد بن محمود، العناية شرح الهداية، دار الفکر، بی‌جا، بی‌تا.
۸. زرقا، انس، گواهی استصناع (سفارش ساخت)، ترجمه محمدزمان رستمی، فصلنامه اقتصاد

- اسلامی، اول، شمار ١، بهار ١٣٨٠.
٩. زعیر، محمد عبدالحکیم، الاستصناع، مجلة الاقتصاد الاسلامی، عدد ١٩٤، مصرف دبی الاسلامی، دبی، ١٤٠٤ ق.
١٠. سامی، حمود، ادوات التمويلية الاسلامية للشركات المساهمة، المعهد الاسلامی، الطبعة الاولى، جدة، ١٩٩٦ م.
١١. سمحان، محمدحسین و مبارک، موسی عمر، محاسبة المصارف الاسلامية، دار المسیر، الطبعة الاولى، اردن، ١٤٢٩ ق.
١٢. شوقی، احمد دنیا، الجعالة و الاستصناع، تحلیل فقهی اقتصادي، المعهد الاسلامی للبحوث و التدريب، الطبعة الاولى، ١٤١١ ق.
١٣. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ٢، الطبعة الثانية، القاهرة، ١٣٤٤ ق.
١٤. الکاسانی، علاء الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ٥، مؤسسة تاریخ العربی، بیروت، ١٤١٧ ق.
١٥. مجلس الاعلی للشنون الاسلامیة، موسوعة جمال عبدالناصر، ج ٧، قاهره، ١٣٩١ ق.
١٦. مجمع اللغة العربیة، المعجم الوسیط، مكتبة الشروق الدولية، الطبعة الرابعة، ١٤٢٦ ق.
١٧. مجموعة العلماء، وزارة الأوقاف والشنون الإسلامیة، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، دارالسلاسل، الطبعة الثانية، الكويت ١٩٨٩ م.
١٨. مركز الدراسات الفقهیة و الاقتصادية، موسوعة فتاوی المعاملات المالیه للمصارف و المؤسسات المالیه الاسلامیة، ج ٥، دارالسلام، اول، قاهره، ١٤٣٠.
١٩. المصری، رفیق یونس، المجموع فی الاقتصاد الاسلامی، دار المکتبی، الطبعة الاولى، دمشق، ١٤٢٦ ق.
٢٠. مومن، محمد، استصناع (قرارداد سفارش ساخت)، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ١٢-١١، ١٣٧٦.

اوراق استصناع ابزار برای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا ۱۲۷

۲۱. نجدات المحمد، محمد، الوكالة في الفقه الاسلامي و تطبيقاتها الاقتصادية المعاصرة دار المكتبي، دمشق، ۱۴۲۷ ق.
۲۲. نظريور، محمد نقی، اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۰، ۱۳۸۴.
۲۳. نظريور، محمد نقی، اوراق بهادار استصناع، مکمل بازار سرمایه ایران، جستارهای اقتصادی، شماره ۸، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۲۴. نظريور، محمد نقی، عملیات بازار باز طریق اوراق استصناع، مجله تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود، قراءات فقهية معاصرة في العبادات و المعاملات، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. الهیعی، عبدالرزاق، المصارف الاسلامية بين النظرية و التطبيق، دار اسامه، الاولى، اردن، ۱۹۹۵ م.